

كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا ﴿﴾

حرمت اول

پاسداشت حرمت فراموش شده می اسماء مبرکه

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

مَا مِنْ كِتَابٍ يُلْقَى فِي مَضِيقَةٍ مِنَ الْأَرْضِ فِيهِ **إِسْمٌ** مِنْ **أَسْمَاءِ اللَّهِ** عَزَّ وَجَلَّ إِلَّا بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ يُحْفَوْنَهُ بِأَجْنِحَتِهِمْ وَيَحْرُسُونَهُ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ إِلَيْهِ وَوَيْتِيَّامِنْ أَوْلِيَائِهِ قَيْرَقَعُهُ، وَمَنْ رَفَعَ كِتَابًا مِنَ الْأَرْضِ فِيهِ **إِسْمٌ** مِنْ **أَسْمَاءِ اللَّهِ** رَفَعَ اللَّهُ اسْمَهُ فِي الْعِلِّيِّينَ وَخَفَّفَ عَنِ الْوَالِدِيَةِ الْعَذَابَ وَإِنْ كَانَا مُشْرِكِينَ.

هیچ نوشته ای نیست که در گوشه ای از زمین افتاده باشد و در آن **نامی** از **نام های الله** باشد، مگر آنکه خداوند عزوجل هفتاد هزار فرشته را فرستد تا آن اسم را با بالهایشان در آغوش گرفته و آن اسم را گرامی و بزرگ بدارند تا اینکه خداوند یکی از اولیای خود را به سوی آن اسم بفرستد تا آن را از زمین بردارد. و هر کس نوشته ای را از روی زمین بردارد که در آن اسم خداوند باشد، پروردگار او را در زمره ی علیین بالایی بردود در عذاب پدر و مادرش تخفیف می دهد هر چند آن دو مشرک باشند.

(کتاب خاتمة مستدرک الوسائل، محدث نوری، جلد ۳، ص ۱۲۲، نشر مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث)

و ایضاً:

مَنْ رَفَعَ قِرْطَاسًا مِنَ الْأَرْضِ مَكْتُوبًا فِيهِ **إِسْمُ اللَّهِ** إِجْلَالًا لِلَّهِ وَلِاسْمِهِ عَنِ أَنْ يُدَاسَ، كَانَ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الصَّادِقِينَ وَخَفَّفَ اللَّهُ عَنِ الْوَالِدِيَةِ وَإِنْ كَانَا مُشْرِكِينَ.

هر کس نوشته ای را که در آن «**نام الله**» نوشته شده به خاطر بزرگداشت خداوند و نام او از زمین بلند کند تا لگدمال نشود، نزد خداوند از صدیقین است و خداوند عذاب را از پدر و مادرش تخفیف می دهد هر چند آن دو مشرک باشند.

(کتاب إرشاد القلوب، حسن ابن محمد الدیلمی، جلد ۱، ص ۳۴۹)

و ایضاً:

إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَرَّ عَلَى كِتَابٍ فِي الْأَرْضِ، فَقَالَ لِقَتِي مَعَهُ: مَا فِي هَذَا؟ قَالَ: «**بِسْمِ اللَّهِ**»، قَالَ: لُعِنَ مَنْ فَعَلَ هَذَا، لَا تَضَعُوا «**بِسْمِ اللَّهِ**» إِلَّا فِي مَوْضِعِهِ.

پیامبر (ص) از کنار نوشته ای که روی زمین بود گذر کرد و دندسپس به جوانی که همراهش بود فرمود: در این نوشته چه چیز است؟ عرض کرد: «**بِسْمِ اللَّهِ**»، پیامبر (ص) فرمودند: آن کسی که این کار را کرده است لعنت شده است، «**بِسْمِ اللَّهِ**» را جز در محل (مناسب) آن قرار ندهید.

(کتاب نهج الذکر، شیخ محمد ری شهری، جلد ۱، ص ۲۳۹)

مسأله ای که با توجه به انحصار آیه‌ی شریفه « اِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ » قلب هر مؤمنی را به لرزه و می‌دارد، ذکر نام « الله » است و آنچه قلب آدمی را به درد می‌آورد، مغفول ماندن حرمت این نام مقدس است که به فرموده قرآن « هِيَ الْعُلْيَا » است و جایگاه آن، بالاترین جایگاه‌ها و حرمت آن بالاترین حرمت‌ها می‌باشد؛ چه اینکه روایات فوق‌الذکر نیز دقیقاً به ضرورت حفظ حرمت اسماء متبرکه اشعار دارد.

اما این اهمّ، چندین سال است بر خلاف نخستین سال‌های انقلاب اسلامی که کاملاً مورد اعتنا بود، به فراموشی سپرده شده است. نه جعبه‌های جمع‌آوری اسماء متبرکه که ای وجود دارد و نه دغدغه‌ای در باب حرمت این اسماء و نه ...

اخلاق دینی به ما آموخته است حرمت یک تکه نان را نگه داریم و هر جا روی زمین می‌بینیم آن را برداشته و در گوشه‌ای می‌گذاریم ولی چه شده است که حرمت رزق خدا را حفظ می‌کنیم ولی به حرمت رزق دهنده توجهی نداریم؟

علی‌رغم اینکه ضرورت بزرگداشت اسماء متبرکه که در رأس آن‌ها نام جلاله‌ی « الله » عقلاً و منطقاً از واضح‌ترین امور است، شاهد بی‌توجهی‌های فراوانی نسبت به حرمت این نام مقدس در جامعه و زندگی روزمره هستیم؛ این در حالی است که توجه به اسم با عظمت « الله » بر هر امر دیگری اولویت دارد و این نکته‌ای است که هم در قرآن کریم و روایات متعدد به آن اشاره شده و هم در سیره‌ی علماء و عرفا بزرگ کاملاً مورد عنایت و التفات بوده است.

به لطف الهی در ادامه، مواردی از اهمیت این امر در قرآن، روایات و سیره‌ی بزرگان بیان می‌شود. لازم به ذکر است موارد ذیل، صرفاً یک برداشت از آیات قرآن می‌باشد؛ چرا که قرآن، بطون مختلف دارد و از آیات آن، می‌توان برداشت‌های گوناگون داشت. در این رابطه به حدیث شریف نبوی صلی الله علیه و آله و سلم اشاره می‌نماییم:

« إِنَّ لِلْقُرْآنِ ظَهْرًا وَبَطْنًا وَبَطْنَهُ بَطْنًا إِلَى سَبْعَةِ أَبْطُنٍ (إِلَى سَبْعِينَ بَطْنًا) »

قرآن، ظاهری دارد و باطنی، و باطن آن هم باطنی دارد، تاهفت باطن (تاهفتاد باطن)

(المیزان، جلد ۱، ص ۷)

قرآن کریم به صراحت، بالاترین کلمه را لفظ جلاله‌ی «الله» معرفی می‌فرماید:

﴿كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا﴾

کلمه‌ی «الله» است بالاترین

(توبه / ۴۰)

همچنین توجه خاص قرآن به (اسم) که در جای جای این کتاب شریف به آن اشاره شده است، حاکی از اهمیت فوق العاده‌ی اسماء الهی و در رأس آن‌ها، اسم جلاله‌ی «الله» است:

- ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾
- إِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ
- تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ
- وَادْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ وَتَبْتَئِلْ إِلَيْهِ تَتَّبِعًا
- فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ
- وَقَالَ ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا
- حُرِّمَتْ ظُهُورُهُمْ وَأَنْعَامٌ لَا يَذْكُرُونَ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا
- وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ
- فَكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ
- وَإِكُلْ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا لِيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ
- وَادْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً وَأَصِيلًا
- سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى
- فَادْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا
- وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ
- فِي بُيُوتِ أَيْدِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ
- وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَّمتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا
- ﴿اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا﴾

این « اسم » چه خصوصیتی دارد که این همه مورد تأکید قرآن قرار گرفته است؟ توجه خاص قرآن به مقوله‌ی « اسم »، نشان از اهمیت و جایگاه والای اسامی الهی دارد.

در روایتی، فلسفه‌ی خلق اسماء الهی بیان شده است که در این روایت شریفه، امام رضا علیه السلام اسماء الهی را وسیله‌ی شناخت پروردگار معرفی فرمودند:

« لِكِنَّةِ اخْتَارَ لِنَفْسِهِ اَسْمَاءَ لِغَيْرِهِ يَدْعُوهُ بِهَا؛ لِاِنَّهُ اِذَا لَمْ يَدْعَ بِاسْمِهِ، لَمْ يُعْرِفْ »

اما خداوند برای خودش نامهایی برگزید تا دیگران او را با آن نامها بخوانند؛ چرا که اگر خداوند با نام‌هایش خوانده نشود، شناخته نمی‌گردد.

(بجار الأنوار، جلد ۴، ص ۱۷۵، دار احیاء التراث / اصول کافی، جلد ۱، ص ۲۷۷، دار احیاء التراث)

چه علتی دارد که اینقدر به (اسم) توجه شده است؟ چرا می‌فرماید ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾؟ چرا فرموده است بِاللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؟

یا در ابتدای تشهد نماز و یا در ادعیه‌ی مختلف اینگونه می‌خوانیم:

﴿بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَخَيْرُ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ﴾

تفکیک میان اسم الله و خود الله در این عبارت نورانی، خود نیز نکته‌ی قابل تأملی است.

چرا در آیه‌ی دیگر فرموده **فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا؟** در حالی که می‌توانست بفرماید **فَاذْكُرُوا اللَّهَ عَلَيْهَا!** همه‌ی این‌ها نشان از اهمیت (اسم) دارد.

یا در آیه‌ای دیگر صراحتاً توجه به « اسم » پروردگار را مقدمه‌ی نماز معرفی می‌نماید:

وَذَكِّرْ ﴿اسْمَ﴾ رَبِّهِ فَصَلِّ

حال همین که توجه به اسم مقدمه‌ی نماز است، خود بیانگر اهمیت والای این اسم است.

یا در آیه‌ای دیگر، اینطور می‌فرماید:

إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ ﴿لَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ﴾

«همانا نماز از کار زشت و ناپسند بازمی‌دارد و قطعاً یاد خدا بالاتر است»

ادب و احترام از مهمترین مسائلی است که باید به آن توجه شود؛ علی الخصوص ادب نسبت به ساحت مقدس پروردگار؛ تا آنجا که وقتی اراده‌ی خداوند بر این تعلق می‌گیرد که جناب موسی علیه السلام را به نبوت برگزیند، قبل از هر چیز ابتدا او را امر به « ادب » می‌کند و سپس حکم نبوت را به ایشان اعطاء می‌نماید؛ آنجا که در قرآن می‌فرماید:

﴿إِنِّي أَنَارُكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طَوًى﴾

من پروردگارت هستم؛ کفش‌هایت را بیرون آر همانا تو در وادی مقدس طوی هستی.

حال اگر نسبت به پروردگار و اسم با عظمت او ادب و احترام رعایت نشود، چه نتیجه‌ای در پی خواهد داشت؟ در حرم‌های شریف معصومین علیهم السلام دیده‌ایم که نماز خواندن جلوتر از امام (علیه السلام) باطل است و لو اینکه مشغول انجام عملی برای خداوند هستیم؛ ولی چون « ادب » به ساحت ولی و حجت خدا رعایت نمی‌شود، نماز هم باطل است؛ حال اگر ادب نسبت به نام مقدس ذات احدیت رعایت نشود چه نتیجه‌ای در پی خواهد داشت؟ این اسم مقدس آنقدر والا و با عظمت است که در سفارشات بزرگان آمده است که پروردگار به این نام خوانده شود:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ الْأَعَزِّ الْأَجَلِّ الْأَكْرَمِ... يَا اللَّهُ

خدایا! از تو خواستارم به نام بزرگ آن نام بزرگ تر عزیزتر باشکوه تر گرامی تر... ای الله

در فراز ابتدایی دعای سمات حضرت حق را به اسم اعظمش می‌خوانیم:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ الْأَعَزِّ الْأَجَلِّ الْأَكْرَمِ الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ عَلَى مَغَالِقِ أَبْوَابِ السَّمَاءِ لِفَتْحِ الرَّحْمَةِ انْفَتَحَتْ وَإِذَا دُعِيَ بِهِ عَلَى مَضَائِقِ أَبْوَابِ الْأَرْضِ لِلْفَرَجِ انْفَرَجَتْ وَإِذَا دُعِيَ بِهِ عَلَى الْعُسْرِ لِلْيُسْرِ تَيَسَّرَتْ وَإِذَا دُعِيَ بِهِ عَلَى الْأَمْوَاتِ لِلنُّشُورِ اتَّتَشَّرَتْ وَإِذَا دُعِيَ بِهِ عَلَى كَشْفِ الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ انْكَشَفَتْ.

خدایا! از تو خواستارم به نام بزرگ آن نام بزرگ تر عزیزتر باشکوه تر گرامی تر که چون بر درهای بسته آسمان با آن نام خوانده شوی که به رحمت گشوده شوند بازی شوند و چون با آن نام بر درهای ناگشوده زمین خوانده شوی برای فرج گشوده شود و چون با آن نام برای آسان شدن سختی خوانده شوی، آسان گردند و چون با آن نام بر مردگان برای زنده شدن خوانده شوی، زنده شوند و چون با آن نام برای رفع سختی و زیان خوانده شوی بر طرف گردد.

ناگفته نماند که دعای سمات، معروف به دعای شبور [دعای عطا و بخشش] است که خواندن آن در ساعت آخر روز جمعه مستحب است و این دعا از دعاهای مشهور است و بیشتر علمای گذشته بر خواندن این دعا مواظبت می نمودند. در کتاب «مصباح» شیخ طوسی و «جمال الأسبوع» سید ابن طاووس و کتب کفعمی به سندهای معتبر از جناب محمد بن عثمان عمروی (رضوان الله علیه) که از نواب حضرت صاحب الامر (علیه السلام) بودند، این دعا از حضرت باقر (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام) روایت شده است.

و فرمایش مولی الموحدین، امیرالمؤمنین علیه السلام به ما می آموزد که «الله» بزرگترین نام پروردگار است:

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «اللَّهُ» أَكْبَرُ اسْمٍ مِنْ أَسْمَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ

«الله» بزرگترین اسم از اسماء خداوند عزوجل است.

(کتاب تفسیر الصافی، ملا محسن فیض کاشانی، جلد ۱، ص ۸۱)

همه و همه، نشان از بزرگی و عظمت این نام مقدس دارد؛ تا آنجا که در دعای جوشن کبیر که بیش از هزار اسم از اسماء الهی در خود دارد، اما اولین اسمی که در صدر همه اسماء آمده است، نام اقدس «الله» است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا كَرِيمُ

تورا به حق نامت ای خدا، ای بخشنده، ای مهربان، ای بزرگوار

و این یعنی نام جلاله «الله» از تمام اسماء الهی بالاتر و با عظمت تر است و این اسم مقدس، در بردارنده سایر اسماء او نیز است و اسمی مخصوص برای ذات باری تعالی می باشد.

و یا در دعای کمیل، مولی الموحدین علیه السلام در ابتدای این مناجات عاشقانه اینطور عرضه می دارد:

وَبِأَسْمَائِكَ الَّتِي مَلَأْتَ أَرْكَانَ كُلِّ شَيْءٍ

و به نامهای مقدست که اساس هر موجودی را پر کرده

و همچنین در میانه مناجات با باری تعالی به ساحت ربوبی عرضه می دارد:

لِكِنِّكَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ

اماتو که مقدس است نام هایت

و یا در همین دعای شریفه، حضرت علی علیه السلام اینطور معبود و معشوق والای خود را خطاب قرار می دهند:

يَا مَنْ اسْمُهُ دَوَاءٌ وَذِكْرُهُ شِفَاءٌ

ای که نامش دوا و ذکرش شفاست

و یا رسول مکرم اسلام (ص) در دعایی که خواندن آن سبب امنیت و دفع بلا یا می شود اینگونه فرموده اند:

بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّمَعَ اسْمُهُ سَمٌّ وَلَا دَاءٌ، بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّمَعَ اسْمُهُ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ، وَلَا فِي السَّمَاءِ

به نام آن خدایی که با اسم او هیچ سم و دردی ضرر نمی رساند، به نام آن خدایی که با اسم او هیچ چیزی در زمین و نه حتی در آسمان (به کسی) ضرری نمی رساند.

(بحار الأنوار، جلد ۸۳، ص ۳۱۴)

و در روایتی مشابه از وجود نازنین امام باقر علیه السلام نقل شده است که امیرالمؤمنین علیه السلام، «اسم» خداوند را مایه‌ی برکت و شفاء از هر دردی است که این را در قالب دعا به اصحاب خود تعلیم دادند:

«أَعِيدُ نَفْسِي بِالَّذِي اسْمُهُ بَرَكَةٌ وَ شِفَاءٌ»

پناه می برم به آن خدایی که اسم او برکت و شفاء است

(شیخ حرعاملی، وسائل الشیعة، جلد ۲، ص ۶۳۹، چاپ اسلامیة)

در لیالی مبارکه‌ی قدر، مؤمنین قرآن بر سر میگیرند و در این لحظه خداوند را با «اسم» اکبرش در قرآن می خوانند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكِتَابِكَ الْمُنزَلِ عَلَى نَبِيِّكَ الْمُرْسَلِ وَمَا فِيهِ وَفِيهِ اسْمُكَ الْأَكْبَرُ وَأَسْمَاؤُكَ الْحُسْنَى وَمَا يُخَافُ وَيُرْجَى أَنْ تُجْعَلَنِي مِنْ مُعْتَقَاتِكَ مِنَ النَّارِ.

خدایا از تو درخواست می کنم به حق کتاب نازل شده ات و آنچه در آن است و در آن است نام بزرگترت، و نام های نیکوترت و آنچه بیم انگیزاست و امیدبخش، اینکه مرا از آزادشدگان از آتش دوزخ قرار دهی.

در دعایی، بعد از نماز حضرت علی علیه السلام وارد شده است که اینطور با پروردگار عالم راز و نیاز کنیم:

وَأَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ طَيْبٌ مُبَارَكٌ فِي التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الزَّبُورِ وَ الْفُرْقَانِ وَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ فِي اللُّوحِ الْمَحْفُوظِ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي أَصْغَرَ حَرْفٍ مِنْهُ أَعْظَمَ مِنَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ وَ الْجِبَالِ وَ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْتَهُ.

و از تو درخواست می کنم به هر اسمی که برای توست و پاک و مبارک است در تورات و انجیل و زبور و قرآن و به هر اسمی که برای توست در لوح محفوظ و از تو درخواست می کنم به اسم با عظمتت که کوچکترین حرف از آن، بزرگتر از آسمان ها و زمین ها و کوه ها و هر چیزی است که خلق کرده ای.

و بسیار جای شگفت است که در همین دعا به صورت کاملاً صریح به « اسم » توجه شده است:

أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ عَرْشَكَ الَّذِي لَا يَعْلَمُ مَا هُوَ إِلَّا أَنْتَ وَأَسْأَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ الْعَظِيمِ وَأَسْأَلُكَ بِنُورِ اسْمِكَ الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ نُورَ حَجَابِكَ النَّوْرِ وَأَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ بِاسْمِكَ الَّذِي تَضَعُ بِهِ سَكَانَ سَمَاوَاتِكَ وَأَرْضِكَ وَاسْتَقَرَّ بِهِ عَرْشُكَ وَتَطْوِي بِهِ سَمَاوَاتِكَ وَتُبَدِّلُ بِهِ أَرْضَكَ وَتُقِيمُ بِهِ الْقِيَامَةَ يَا اللَّهُ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَقْضِي بِهِ مَا نَشَاءُ بِذَلِكَ الْإِسْمِ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي هُوَ نُورٌ مِنْ نُورٍ وَنُورٌ مَعَ نُورٍ وَنُورٌ فَوْقَ كُلِّ نُورٍ وَنُورٌ يُضِيءُ بِهِ كُلُّ ظِلْمَةٍ وَنُورٌ عَلَى كُلِّ نُورٍ وَنُورٌ فِي نُورٍ يَا اللَّهُ بِاسْمِكَ الَّذِي تَذْهَبُ بِهِ بِالظُّلْمِ وَبِاسْمِكَ الْمَكْتُوبِ عَلَى جَبْهَةِ إِسْرَافِيلَ وَبِقُوَّةِ ذَلِكَ الْإِسْمِ الَّذِي يَنْفُخُ إِسْرَافِيلُ فِي الصُّورِ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْتُوبِ عَلَى رَاحَةِ رِضْوَانَ خَازِنِ الْجَنَّةِ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الرَّكْبِيِّ الظَّاهِرِ الْمَكْتُوبِ فِي كُنْهٍ حُجْبِكَ الْخُزُونِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ عَلَى سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ وَأَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْتُوبِ عَلَى سُرَادِقِ السَّرَائِرِ وَأَدْعُوكَ بِهَذِهِ الْأَسْمَاءِ بِأَنَّ لَكَ الْحَمْدَ
لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ

(کتاب مصباح المجتهد، شیخ طوسی، ج ۱، ص ۲۹۳)

این همه توجه به اسم در بیان قرآن و ائمه‌ی هدی علیهم السلام به چه منظور است؟

همچنین سیره‌ی معصومین علیهم السلام، علماء و عرفا نیز بر این استوار بوده است که هر چند بی توجهی به حرمت اسماء جلاله از روی عمد هم نباشد، لکن اثر وضعی خود را دارد و موجب بی برکتی و خسارات بسیاری می‌شود. به عنوان مثال در کتاب کامل الزیارات آمده است که یکی از شیعیان از امام صادق علیه السلام در مورد تربت مطهر حضرت سیدالشهداء علیه السلام سؤال می‌کند که مگر نه این است که تربت جدّ شما شفاء می‌دهد؟ پس چرا این تربت شفاء نمی‌دهد؟ امام صادق علیه السلام در جواب فرمودند:

«أَنَّ بَعْضَ مَنْ يَأْخُذُ مِنَ الثَّرْبَةِ شَيْئًا يَسْتَحِفُّ بِهِ حَتَّىٰ إِنَّ بَعْضَهُمْ لَيَطْرَحُهَا فِي مِحْلَاةِ الْبُغْلِ وَالْحِمَارِ وَفِي وَعَاءِ الطَّعَامِ وَالْمُخْرَجِ وَالْجُوَالِقِ فَكَيْفَ يَسْتَشْفِي بِهِ مَنْ هَذَا حَالُهُ عِنْدَ؟»

« بعضی از افرادی که تربت در اختیار دارند، آن را خفیف می‌شمارند، تا آنجا که بعضی از آن‌ها، تربت را در توبره‌ی قاطر و خرها و در ظروف غذا و خورجین‌ها قرار می‌دهند. پس چگونه کسی که چنین برخوردی با آن دارد از آن طلب شفاء میکند؟»

(کتاب کامل الزیارات، نوشته‌ی مرحوم ابن قولویه، جلد ۱، ص ۲۸۱)

از این روایت شریفه این طور استنباط می‌شود که هر گاه احترام تربت امام حسین علیه السلام که پروردگار به اذن خود شفاء را در آن قرار داده است رعایت نشود، اثر وضعی خود را از دست می‌دهد؛ حتی اگر شخص، قصد

بی احترامی نداشته باشد و غفلتاً آن را سبک بشمارد. همین مورد در خصوص اسم جلاله هم صادق است که اگر حرمت آن رعایت نشود، حتی اگر از روی نا آگاهی باشد، آثار وضعی سنگین تری در پی خواهد داشت. و چه بسا اگر حرمت نام جلاله‌ی پروردگار که از همه چیز بالاتر و والاتر است حفظ نشود، آثار وضعی سنگین تری در بر خواهد داشت تا جایی که در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا﴾

وهرکس از یاد من روی گرداند، مسلماً زندگی سختی خواهد داشت.

و آیا توجه خاص به اسم خداوند جلیل و تکریم آن چیزی جز ذکر یاد اوست؟ آیا وقتی که در تمام امور و در تمام اوقات متوجه خداوند می‌شویم و او را صدا می‌زنیم، از چیزی جز اسم او استفاده می‌کنیم؟

همه‌ی بندگان هنگام نماز ابتدائاً به یک امر اقرار می‌کنند و سپس نماز شروع می‌شود و آن، «الله اکبر» است و

این یعنی «الله» از همه چیز بزرگتر است. حال چگونه ممکن است حرمت نامش نگاه داشته نشود؟

و یا نقل قول منتسب به آیت الله اراکی رحمه الله علیه که در اواخر جنگ تحمیلی، برخی از فرماندهان خدمت ایشان رفته و از گره خوردن کار جنگ و علت آن سؤال کردند که ایشان نیز در جواب فرمودند به علت بی‌احترامی به نان و رعایت نکردن حرمت نان است. حال وقتی بی‌حرمتی ناخواسته به نان چنین اثری دارد، بی‌توجهی به حرمت اسماء متبرکه که مسلماً اثرات وضعی زیانبارتری خواهد داشت ولو اینکه از روی قصد و عمد هم نباشد.

آیا ماجرای خورده شدن عهدنامه‌ی قریش توسط موریانه‌ها، خود حجتی موثق برای بزرگی و عظمت نام جلاله‌ی «الله» و ضرورت بزرگداشت آن نیست؟ آنجا که موریانه‌ها به اذن پروردگار تمام عهدنامه را خوردند مگر نام جلاله‌ی «الله» که در بالای عهدنامه نوشته شده بود!

وَفُضَّتِ الصَّحِيفَةُ فَإِذَا الْأَرْضُ قَدْ أَكَلَتْ كُلَّ مَا فِيهَا إِلَّا مَوَاضِعَ بِسْمِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ

(نقل از کتاب تاریخ یعقوبی، جلد ۲، ص ۳۲)

جالب اینجاست و برای ما درسی بزرگ است که در محاصره‌ی کامل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و بدترین اوضاع معیشتی مسلمانان، به ما این درس داده شده است که حرمت اسم خداوند اولی بر همه چیز است.

و یا علت توبه‌ی بشر حافی؛ مردی که شرابخوار و عیاش بود، در حال مستی از جایی عبور می‌کرد و کاغذی روی زمین دید که روی آن «اسم الله» نوشته شده بود. آن کاغذ را از روی زمین بلند کرد و تمام دارایی‌اش دو درهم

بود که با آن، عطری خرید و آن اسم مقدس را معطر کرد و آن را در جای مرتفعی گذاشت تا حرمت آن اسم حفظ شود. بُشِر، شب در خواب دید که یک منادی او را ندا می دهد :

طَيَّبْتَ إِسْمَنَا فَطَيَّبْنَاكَ وَبَجَلْتَ إِسْمَنَا فَجَبَلْنَاكَ وَطَهَّرْتَ إِسْمَنَا فَطَهَّرْنَاكَ؛ فَبِعِزَّتِي لَا طَيِّبَنَّ اسْمَكَ فِي

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

اسم ما را پاک کردی پس ما تو را پاک می کنیم و اسم ما را بزرگ داشتی پس ما تو را بزرگ خواهیم داشت و اسم ما را از آلودگی طاهر کردی پس ما تو را طاهر می کنیم؛ به عزت خودم قسم اسم تو را در دنیا و آخرت پاک می کنم.

(نقل از کتاب أعيان الشيعة، سيد محسن امين، جلد ۳، ص ۵۷۹)

همین عمل وی که ادب به نام «الله» بود، سبب شد تا خداوند نیز دست او را بگیرد و نام او را پر آوازه کند؛ تا جایی که مردم از خاک پای او تبرک می گرفتند و از همه مهمتر اینکه ادب و احترام به نام مقدس «الله» سبب شد تا امام زمانش، حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام به او نظر کرده و او را به سوی خود جذب نماید.

اگر از کسی که دوستش داریم و یا از یک عزیز از دست رفته، تنها یک یادگار داشته باشیم، با آن یادگاری چه برخوردی می کنیم؟ چگونه از آن محافظت می نماییم؟ حال اگر چه تمام ذرات هستی نشانه‌ی وجود خدا هستند ولی ملموس ترین چیزی که از او در میان بندگان به یادگار مانده است همین (اسم) زیبای اوست و خودش نیز به ما فرمان داده که همه کار را با «اسم» او آغاز کنیم:

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

در بزرگی و عظمت این اسم همین بس که وقتی فرشتگان مقربی همچون جبرئیل و اسرافیل (علیهما السلام) نام مقدس «الله» ذکر می شود، با آن همه عظمت و هیبتی که دارند، ناخواسته از عظمت این اسم مقدس به حالت خضوع در می آیند. در روایتی وارد شده است:

قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذَاتَ يَوْمٍ قَالَ لِحَبْرَيْلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَحِبُّ أَنْ أَرَكَ فِي الصُّورَةِ الَّتِي تَكُونُ فِيهَا بِالسَّمَاءِ». قَالَ: إِنَّكَ لَا تَقْوَى عَلَى ذَلِكَ. قَالَ: «لَا بَدُّ لِي مِنْ ذَلِكَ» فَأَقْسَمَ عَلَيْهِ بِحَاثِمِ النَّبُوءَةِ، فَقَالَ جَبْرَيْلُ: أَيْنَ تُرِيدُ ذَلِكَ؟ قَالَ: «بِالْأَبْطَحِ». قَالَ: لَا يَسْعُنِي. قَالَ: «بَيْنِي». قَالَ: لَا يَسْعُنِي. قَالَ: «بِعِرْفَاتٍ». قَالَ: لَا يَسْعُنِي وَ لَكِنْ سَرِنَا إِلَيْهِ. فَمَضَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَى عِرْفَاتٍ، وَإِذَا هُوَ جَبْرَيْلُ بِعِرْفَاتٍ بِحُشْحَشِهِ، وَكَلِّكِلِهِ قَدْ مَلَأَ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ، رَأْسُهُ فِي السَّمَاءِ وَرِجْلَاهُ فِي الْأَرْضِ السَّابِعَةِ، فَحَرَّمَغْشِيًا عَلَيْهِ، فَتَحَوَّلَ جَبْرَيْلُ بِصُورَتِهِ الْأُولَى وَضَمَّهُ إِلَى صَدْرِهِ، وَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ، لَا تَخَفْ أَنَا أَخُوكَ

جَبْرِيْلُ. قَالَ: «يَا أَخِي، مَا ظَنَنْتُ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ خَلْقًا فِي السَّمَاءِ يُشْبِهَكَ». قَالَ: يَا مُحَمَّدُ، لَوْ رَأَيْتَ إِسْرَافِيْلَ الَّذِي رَأْسُهُ تَحْتَ الْعَرْشِ، وَرِجْلَاهُ تَحْتَ نُحُومِ الْأَرْضِ السَّابِعَةِ وَاللُّوحُ الْمُحْفُوظُ بَيْنَ حَاجِبَيْهِ، وَإِنَّهُ إِذَا ذَكَرَ اسْمُ اللَّهِ يَبْقَى كَالْعَصْفُورِ.

ابن عباس ذکر کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم روزی به جبرئیل گفت: دوست دارم تو را به همان شکلی ببینم که در آسمان هستی. جبرئیل به او گفت: تو قدرت این کار را نداری. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: باید این کار را بکنم و جبرئیل را به خاتم نبوت قسم داد. آن گاه جبرئیل گفت: کجای خواهی این کار انجام شود؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم گفت: در «ابطح». جبرئیل گفت: برای من امکان ندارد. گفت: در «منی». گفت: نمی توانم، گفت: در «عرفات». گفت: من نمی توانم ولی با هم به آنجا برویم. رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم به عرفات رفت. ناگهان دید که جبرئیل در عرفات است و سرو صدایش می آید و سینه‌ی او تمام مشرق و مغرب را پر کرده است. سرش در آسمان بود و پاهایش در زمین هفتم. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم غش کرد و بر زمین افتاد. آن گاه جبرئیل به شکل اولش برگشت و او را در آغوش گرفت و گفت: ای محمد! نترس، من برادر تو هستم، جبرئیل. محمد گفت: ای برادر! فکر نمی کردم که خداوند در آسمان موجودی خلق کرده باشد که شبیه تو باشد. جبرئیل گفت: کاش اسرافیل را می دیدی، سرش در زیر عرش قرار دارد و پاهایش زیر سرحدات زمین هفتم و لوح محفوظ بین دو ابرویش قرار دارد و هر گاه اسم خدا برده شود، به شکل گنجشک در می آید.

(تفسیر روایی البرهان، سید هاشم بحرانی، جلد ۸، ص ۶۰۱)

و این، نشان از عظمت اسم پروردگار دارد که اسرافیل علیه السلام با آن همه هیبت و عظمت وقتی «اسم» خداوند در محضرش ذکر می شود شبیه یک گنجشک در می آید...

هر آنچه گفتیم، همگی بیانگر اهمیت و حرمت اسماء متبرکه که الهی و اسامی معصومین علیهم السلام و آیات قرآن و ادعیه و در رأس همه‌ی آنها، نام جلاله‌ی «الله» است؛ ولی متأسفانه این مهم، سالیان سال است که به دست فراموشی سپرده شده است و به انحاء مختلف، غفلتاً و ناخواسته مورد بی حرمتی قرار می گیرد؛ طوری که نعوذ بالله این اسم مقدس به یک امر دم دستی و معمولی تبدیل شده است که استفاده‌های بسیار نامناسبی از آن می شود که ذیلاً به آن اشاره خواهیم نمود.

مهمترین مسأله‌ی ای که در حال حاضر، جامعه مبتلا به آن می باشد، استفاده‌ی نامناسب از پرچم جمهوری اسلامی ایران است که مزین به لفظ جلاله‌ی «الله» است.

پرچم جمهوری اسلامی ایران به نحوی طراحی شده است که یک بار در وسط مزین به نام جلاله‌ی «الله» و شعار اسلامی «لا إِلَهَ إِلَّا اللهُ» است و ۲۲ مرتبه در اطراف نیز متضمن «الله اکبر» و این امر در نیمه‌ی تیرماه سال ۱۳۵۹ به تأیید شخص حضرت امام خمینی رضوان الله تعالی علیه و شورای انقلاب نیز قرار گرفته است؛ همانطور که در تصاویر زیر مشخص می‌باشد:



حتی در دیوان حضرت امام خمینی رضوان الله تعالی علیه شعری وجود دارد که ایشان در تاریخ ۱۲ فروردین سال ۱۳۶۳ اینچنین سروده اند:

این عید سعید، عید حزب الله است دشمن ز شکست خویشتن آگاه است
چون پرچم جمهوری اسلامی ما جاوید به اسم اعظم «الله» است.

همچنین در فتاوی حضرت امام رضوان الله تعالی علیه نیز صریحاً اشاره شده است که آرم جمهوری اسلامی ایران **حکم لفظ جلاله** را دارد.

و این امر به صراحت در اصل هجدهم قانون اساسی مطرح شده است:

پرچم رسمی ایران به رنگ‌های سبز و سفید و سرخ با علامت مخصوص جمهوری اسلامی و شعار «الله اکبر» است. با این حال شامل بی توجهی‌های فراوانی نسبت به نام جلاله‌ی «الله» در جامعه و زندگی روزمره هستیم که به برخی مصادیق آن اشاره می‌نماییم:

(۱) چاپ پرچم ایران با ذکر هر ۲۳ نام جلاله‌ی «الله» در تبلیغات محیطی کاندیدها مانند پوستر، تراکت، بنر و اعلامیه در انتخابات مختلف؛ به این صورت که برخی از کاندیدها عکس خود را کنار پرچم ایران چاپ و در سطح شهر به طور وسیع پخش می‌کنند و این برگه‌های تبلیغاتی زیر دست و پا می‌افتد. بارها و بارها دیده شده این اسم مطهر در کثیف‌ترین جوی‌های آب افتاده و یا بعضاً کاندیدها این تبلیغات را روی زمین زیر پای عابران می‌چسبانند. همچنین بسیاری از تبلیغات، بر دیوارها چسبانده می‌شود و پس

از رأی گیری، توسط شهرداری بدون هیچ گونه توجهی و به بدترین شکل ممکن جمع آوری می شود و در نهایت به زباله دانی ریخته می شود.

(۲) چاپ پرچم ایران روی محصولات مختلف غذایی، دارویی، بهداشتی، صنعتی و ...؛ محصولاتی همچون چیپس، جعبه خرما، جعبه شیرینی، جعبه بیسکویت، جلد مسواک، جعبه داروها، جعبه دستمال کاغذی، اسباب بازی کودکان، برچسب های کنترل کیفیت و سلامت کالاها که روی جعبه های محصولات بهداشتی مانند عطر و ادکلن و بسیاری دیگر از محصولات چسبانده می شود و کاملاً واضح است خریداران، پس از استفاده، بدون هیچگونه التفاتی آن ها رو در زباله دانی می اندازند. همچنین آدرس و نشانی شرکت ها و کارخانه ها که روی جعبه های محصولات ذکر می شود بعضاً مزین به نام جلاله و اسامی معصومین است همچون بزرگراه شیخ فضل الله، خیابان نجات اللهی، میدان امام حسین علیه السلام و

(۳) چاپ پرچم ایران با ذکر همه الفاظ جلاله بر روی شورت های ورزشی بازیکنان، که اولاً محلی بسیار نامناسب است و ثانیاً پس از مدتی این شورت های ورزشی به گوشه ای افتاده و یا حتی ممکن است دور ریخته شود.

(۴) چاپ پرچم ایران با ذکر همه الفاظ جلاله بر روی پلاک ماشین های حمل زباله که اولاً جایگاه پلاک نامناسب است و در جایی نصب شده که محل قرار گرفتن پای مأموران محترم شهرداری است و ثانیاً در معرض انواع آلودگی ها قرار می گیرد؛ طوری که حتی دیگران به خاطر بوی تعفن، از نزدیک شدن به این ماشین ها خودداری می کنند ولی شاهد آن هستیم که پرچم ایران روی آن حک شده است و همچنین در موتور سیکلت ها و سایر وسایل نقلیه که این پلاک دقیقاً نعوذ بالله در بدترین جای ممکن قرار می گیرد. بدتر از همه اینکه در هنگام تعویض پلاک در مراکز تعویض پلاک، بزرگترین بی حرمتی صورت می گیرد؛ به این صورت که کارمندان تعویض پلاک العیاذ بالله برای پرچ کردن پلاک ها پای خود را دقیقاً روی پلاک قرار می دهند و یا پلاک های بی استفاده را به بدترین شکل ممکن به گوشه ای پرتاب می کنند و همه ای این ها بی حرمتی به نام مقدس پروردگار است. همچنین بعضاً دیده شده است که در فرودگاه ها، بر روی پله هایی که جهت انتقال مسافرین به داخل هواپیما (Step) تعبیه شده است پلاک هایی حک شده است که حاوی نام جلاله می باشد.

(۵) عدم جمع آوری مناسب بنرهای مذهبی و مناسبتی مختلف توسط هیأت ها و نیز اعلامیه های ترحیم که مزین به اسماء جلاله، آیات قرآن و نام های مقدس معصومین علیهم السلام می باشد که متأسفانه این اقلام دور ریخته می شوند و بارها و بارها شاهد آن بودیم که این نام های مقدس روی زمین یا داخل جوی ها افتاده است. همچنین مکرراً دیده شده است که این بنرها توسط دیگران مورد استفاده های نامناسب دیگری قرار می گیرد، مانند آنکه از این بنرها به عنوان زیر انداز و ... استفاده می شود.

(۶) نوشتن آیات قرآن، اسم جلاله و سایر اسماء متبرکه بر روی سنگ مزارهای روباز و بدون محافظ؛ این درحالی است که دیگران بدون هیچ توجهی از روی سنگ ها عبور می کنند و حرمت این اسماء مورد

غفلت قرار می‌گیرد؛ حال آنکه در سیره‌ی حضرت امام خمینی رضوان الله تعالی علیه نیز این مورد به شدت مورد توجه بوده؛ تا جایی که ایشان از روی سنگ مزار افرادی که همنام حضرات معصومین علیهم السّلام بوده گذر نمی‌کردند و یا هرگز بر روی روزنامه‌های ایرانی که احتمال وجود اسماء متبرکه در آنها بوده قدم نمی‌گذاشتند.

(۷) چاپ و توزیع پرچم مقدس جمهوری اسلامی ایران، پوستر، تراکت، اعلامیه‌های مزین به اسماء متبرکه و آیات قرآن در راهپیمایی‌های مختلف که متأسفانه مکرراً شاهد آن بودیم که این پرچم‌ها و تراکت‌ها بدون هیچگونه توجهی زیر دست و پا افتاده است و هیچ التفاتی به حرمت اسماء متبرکه‌ی مندرج بر روی آن‌ها نمی‌شود و حتی پس از راهپیمایی نیز جمع‌آوری صحیحی صورت نمی‌گیرد.

(۸) چاپ پرچم و آرم مقدس جمهوری اسلامی روی اشیاء و وسایلی که در نظر عرف و مردم محترم شناخته نمی‌شوند همچون بلیط‌های مترو، کارت‌های عابر بانک ملی و سپه، لوازم دم‌دستی ادارات، بارکدهای کد اموال دولتی، لیوان و وسایل یکبار مصرف و... چاپ می‌شود که این کار نیز به انحاء مختلف باعث بی‌حرمتی به آن نام اقدس می‌گردد از جمله قرار گرفتن در جیب پشت شلوار و نیز در جاهای نامناسب، برخورد دست بدون وضو به آن، زمین افتادن و... .

(۹) عدم آگاهی برخی دانش‌آموزان و خانواده‌های آنها به حرمت اسماء متبرکه‌ی موجود در کتب درسی و دفاتر، جزوات آموزشی، اوراق امتحانی و... که به دورانداختن، پاره کردن و رها کردن آن‌ها در پایان سال و نیز رفتار نادرست با کتب درسی همچون پرتاب کردن، روی زمین انداختن، نشستن بر روی کتب و... در طول سال تحصیلی می‌انجامد.

(۱۰) عدم توجه به وجود آرم مقدس جمهوری اسلامی بر روی سربرگ‌ها و اوراق در ادارات، ارگان‌ها و مؤسسات مختلف همچون فیش‌های بانکی، برخی رسیده‌ها در بانک‌های ملی و سپه، ابلاغیه‌ها و دادخواست‌های دادگستری که معمولاً از سوی دریافت‌کنندگان با این اوراق با احترام برخورد نمی‌شود و بعضاً پاره و دورریخته می‌شود.

(۱۱) بی‌توجهی برخی از مسؤولین در ادارات، مؤسسات و مدارس نسبت به اسماء متبرکه‌ی موجود در برگه‌های تکثیری، کارت‌های پرسنلی، نامه‌های اداری، اعلامیه‌ها و...

** برخی راهکارها و پیشنهادات

همه‌ی موارد مذکور سبب می‌شود هر ساله غفلتاً میلیاردها لفظ جلاله در معرض انواع بی‌حرمتی‌ها قرار بگیرد و به جایی ریخته‌شود که زبان، از گفتن آن خجل می‌شود. هدف از این نوشته، به هیچ وجه حذف اسماء متبرکه نیست زیرا وجود این اسامی و استفاده‌ی از آنها، سبب تبرک و تیمن در امور است اما در جایی که حرمت این اسامی حفظ نشود، به کار بردن آن‌ها نقض غرض است و برای اینکه دچار غفلت نسبت به این نام‌های مقدس نشویم، کفایت به تمام مراحل نوشتن، چاپ و منتشر کردن تا امحاء آن به روش احسن فکر و تأمل کنیم؛ مثلاً می‌توان با کمی توجه، نام مقدس «الله» و پرچم ایران که مزین به این نام است را به نحو احسن در جامعه استفاده نمود تا مصداقی باشد برای «أذْکُرُوا اللهَ ذِکْراً کَثِیراً»؛ همانند کار زیبایی که شهرداری انجام داده و آن، برافراشتن پرچم مقدس ایران در نقاط مختلف شهر است که در بالاترین نقاط نصب گردیده و یا اعتلای نام «الله» از طرق دیگر همچون نصب دیوار کوب‌های مزین به پرچم ایران، به احتراز در آوردن پرچم مقدس بر سر در منازل و یا چاپ پرچم بر روی پلاک منازل و مکان‌هایی که مطمئناً مورد بی‌احترامی قرار نمی‌گیرد.

ذیلاً به برخی راهکارها و پیشنهادات اشاره می‌شود که پس از کارشناسی‌های لازم، می‌توان آن‌ها را به کار برد:

- ۱) افزودن نکات لازم برای حفظ حرمت اسماء متبرکه به فصل تبلیغات در قوانین انتخاباتی از جمله قانون انتخابات ریاست جمهوری، قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی و... و همچنین آیین‌نامه‌های تبلیغاتی که به داوطلبان و کاندیداهای انتخاباتی داده می‌شود و به عبارت بهتر قانونی کردن لزوم رعایت حرمت اسماء متبرکه خصوصاً نام جلاله‌ی «الله» که پرچم ایران مزین به آن است در تبلیغات محیطی از طریق ارگان‌ها و نهادهای مربوطه و ملزم نمودن کاندیداها به رعایت این نکات در تبلیغات محیطی خود.
- ۲) اینترنتی شدن تبلیغات کاندیداها به جای تبلیغات کاغذی که در این صورت با توجه به اینکه تبلیغات از طریق فضای مجازی انجام می‌شود، هیچگونه بی‌حرمتی به اسماء متبرکه صورت نمی‌گیرد.
- ۳) عدم استفاده از متن صریح قرآن، ادعیه و اذکار مقدسه، اسامی معصومین علیهم السلام در تبلیغات محیطی؛ همچنین به کار بردن (... یا (اله) به جای نام جلاله (الله) به صورت کامل، در مواردی که نام یا نام خانوادگی کاندیداها محترم متضمن و مزین به اسم جلاله است؛ به عنوان مثال: شیخ فضل‌الله، نجات‌الهی، آیت‌الله، سلام‌الله، علیه و قس علی‌هذا. همچنین است در خصوص آدرس‌ها و نشانی‌هایی که متضمن اسماء متبرکه است.
- ۴) تقیید همه‌ی هیات‌ها، موبک‌ها و جمعیت‌های مذهبی در جمع‌آوری پوسترها، اعلامیه‌ها و بنرهای خود.

(۵) تعبیه‌ی جعبه‌هایی جهت اسماء متبرکه و جمع آوری و امحاء آنها به احسن وجوه (مانند دریا و یا کوه طبق روایات) که در اوایل انقلاب این موضوع بسیار مطرح بود ولی متأسفانه امروزه بسیار کم رنگ گشته است و تلاش در راستای احیای این امر.

(۶) دقت نظر افرادی که نام یا نام خانوادگی آنها، متشکل از لفظ جلاله‌ی «الله» است نسبت به این نام مقدس؛ به این نحو که در مواضعی که احتمال بی حرمتی می‌رود، از (...) و یا (اله) استفاده شود.

(۷) توجه دادن دیگران به اسماء متبرکه و حفظ حرمت آنها که این امر، خود بزرگترین امر به معروف‌ها است.

(۸) یادآوری و تذکر به نهادهای ارگان‌ها، مؤسسات و تمامی دستگاه‌ها، مبنی بر توجه به اسماء متبرکه و احیای دوباره جعبه‌های اسماء متبرکه و تعیین مسئول خاصی برای جمع آوری و نگهداری و امحاء آنها به بهترین نحو که خود این امر باعث برکت در کارها و امور می‌شود.

لطف صاحب این نام همراهتان

با تقدیم احترام

داود اناری

۰۹۱۲۱۵۷۰۴۶۶